

# سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و تکرش آن به همسایگان بویژه سلطنت عمان

محمد جواد آسایش زارچی

سفير جمهوری اسلامی ایران در مسقط

## الف: سیاست خارجی ایران

به منظور ارائه تصویری جامع از سیاست خارجی ایران، به پنج نکته محوری پرداخته می‌شود: «تأثیر متغیرهای جغرافیایی بر سیاست خارجی ایران»، «ویژگیها، اصول و مبانی رفتاری سیاست خارجی ایران»، «چالشهای فراروی سیاست خارجی»، «اولویتهای در روابط خارجی» و «اهمیت اقتصاد و تجارت در روابط خارجی ایران».

۱- تأثیر متغیرهای جغرافیایی بر سیاست خارجی ایران  
ژئوپلیتیک، ژئواستراتژی و ژئواکونومی از جمله متغیرهای مستقل جغرافیایی است که تأثیر چشمگیر و معناداری بر سیاست خارجی و روابط خارجی ایران دارد. البته این یک قاعده کلی است که عامل جغرافیا به گونه‌ای خود را به نظامهای سیاسی تحمیل می‌کند. دولتها تا حد زیادی بر اساس عامل جغرافیا و متغیرهای جغرافیایی بویژه ژئوپلیتیک، قواعد رفتاری خود را با دیگر واحدهای سیاسی در نظام بین‌المللی تنظیم می‌کنند. این یک واقعیت است که به رغم تحولات شگرف جهانی، عامل جغرافیا همچنان یک عامل مؤثر در سیاستگذاری خارجی و روابط بین‌المللی است.

جایگاه جغرافیایی ایران در مجاورت هارتلند اوراسیا و به عنوان حلقه اتصال دو منبع غنی انرژی یعنی خلیج فارس و دریای خزر از ارزش بالایی در روند تعامل بین قدرتهای جهانی برخوردار می‌باشد. ایران همیشه یک کشور بین‌المللی بوده و هر گونه تغییر در سیستم بین‌المللی منشأ تأثیر بر سر نوشت ایران نیز بوده است.

در نظام بین‌الملل دو قطبی در سده بیستم، خاورمیانه تکیه گاه آن نظام بود و ایران محور تعادل در منطقه خاورمیانه به شمار می‌رفت. تحولات چند دهه اخیر نیز نشان داده است که جایگاه ایران بخاطر موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک آن، یک تعبد ژئواستراتژیکی برای منطقه و جهان است، بدین معنا که جایگزین ندارد و نمی‌تواند داشته باشد. به عبارت دیگر، ایران هرگز نمی‌تواند در نظام

بین‌المللی یک کشور حاشیه‌ای باشد.

با فروپاشی شوروی یعنی یکی از قدرتهای عمده سیستمی در دهه‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰، سیستم نوینی در گستره شمالی ایران شکل گرفت که در درون خود انواع رقابتهای، چالشها، جنگهای داخلی و منطقه‌ای را در پی داشت. الزامات ژئوپلیتیکی ایران در وضعیت جدید موجب شد تا کشور ما جزو دو سیستم تابعه یعنی خلیج فارس و آسیای میانه و قفقاز قرار گیرد و به عبارت دیگر حلقه بسیار مهمی در میان دو سیستم مزبور به حساب می‌آید.

توجه شایسته به موقعیت ایران بین دریای خزر و خلیج فارس و به عنوان حلقه وصل پانزده کشور با حدود پانصد میلیون نفر جمعیت، اهمیت ژئواکونومیکی ایران به عنوان «قطب مرکزی هارتلند انرژی دنیا» را نیز نمایان می‌سازد. از طرفی با وصل شدن بازار آسیای میانه به بازار خلیج فارس، سومین حوزه بازار جهانی پس از آتلانتیک و پاسیفیک تشکیل می‌شود.

عضویت ایران در دو سیستم تابعه پیش گفته بویژه سیستم تابعه خلیج فارس به عنوان نقطه پیوند ایران با سیستم بین‌المللی در عین ایجاد فرصتها، محدودیتهایی را نیز برای کشور ما در پی دارد. به عبارت دیگر برجستگی و چشمگیر بودن موقعیت ژئوپلیتیکی، ایران را ملزم می‌سازد که برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی خود نوعی هماهنگی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی را مدنظر قرار دهد.

همچنین، کشور ما در بر تو موقعیت منطقه‌ای و جهانی و ویژگیهای ژئوپلیتیکی خود توانسته است علیرغم تحریمهای آمریکا و سعی برخی قدرتهای خارجی در تحمیل انزوای سیاسی و اقتصادی بر آن، از تمامیت ارضی خود دفاع کند، اعتماد کشورهای اسلامی را علیرغم جنگ شدید روانی بدست آورد، یک صادر کننده عمده نفت در ایک باشد به عنوان یک بازیگر فرهنگی فعال بین‌المللی رخ نماید، ریاست گروه ۷۷ را بر عهده بگیرد و در یک خاورمیانه پر تنش مروج جامعه مدنی باشد.

## ۲- ویژگیها، اصول و مبانی رفتاری سیاست خارجی ایران

صرفنظر از طبیعت سیاست در ایران، چهار ویژگی دائمی در سیاست خارجی کشور ما وجود دارد که همه حکومتها در ایران ناچارند آن را در سیاستگذاری لحاظ نموده و به آن عمل کنند. این چهار ویژگی عبارتند از:

۱- منطق ژئوپلیتیک ایران

۲- فرار گرفتن ایران در مرکز منطقه‌ای که حدود ۸۰٪ ذخایر نفت و گاز جهانی را در بر گرفته است

۳- حساسیت هوشمندانه ایرانیان نسبت به حاکمیت ملی خود

۴- ساختار پیچیده و مبتنی بر خودآگاهی هویت فرهنگی ایرانیان یکی از پارادوکسهای که سیاست خارجی ایران با آن مواجه بوده این است که در طول دو قرن اخیر، همه نهضت‌های اجتماعی، مذهبی، روشنفکری، ضداستعماری و ضداستبدادی حول «اندیشه حاکمیت ملی» و میل به پیگیری ایده «اداره کشورمان توسط خودمان» صورت گرفته است؛ به این معنا که جهتگیری غالب در فرهنگ سیاسی ایران «درون‌نگر» بوده است ولی از طرف دیگر منطق ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی ایران، منطقی «برون‌نگر» است.

واقعیت دیگری که می‌باید همواره مدنظر دست‌اندرکاران سیاست خارجی قرار گیرد این است که در جامعه ایران هر شهروند بطور خودآگاه هم می‌خواهد ایرانی باشد، هم مذهبی باشد و هم از کاراکترهای مثبت فرهنگ غربی اقتباس کند. یک ایرانی بطور معمول خودش آمیزه‌ای از این سه لایه را انتخاب می‌کند و حکومتها نمی‌توانند یک هویت فرهنگی ساختگی را به شهروندان ایرانی تحمیل نمایند. به همین جهت تلاش رژیم پهلوی برای حذف جزء اسلامی شخصیت ایرانیان کاملاً شکست خورد.

بزرگترین دستاوردی که جامعه ایران در پرتو انقلاب اسلامی خود بدست آورد این است که هم‌اکنون ایرانی‌ها خودشان تصمیم گیرنده هستند و پروسه سیاسی صددرصد بومی است. البته روشن است که مؤلفه‌های روند جهانی شدن تأثیر خود را بر برنامه ملی اداره کشورها بر جای می‌گذارد.

در زمینه اصول حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، باید تأکید نمود که «عقلانیت اسلامی» سنگ بنای حکومت ما و سیاست خارجی آن را تشکیل داده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که در مقدمه و اصول ۱۵۲ تا ۱۵۵ خود به تبیین اصول سیاست خارجی ایران پرداخته، برگرفته از دو مجموعه ارزشی، یکی «ارزشهای اسلامی» و دیگری «موازین مدنی پذیرفته شده جهانی» است. بر همین اساس دستگاه سیاست خارجی ایران متعهد به انجام اعمالی است که مبتنی بر «عقلانیت اسلامی» بوده و از طریق

«مقدورات دموکراتیک» و «چارچوبهای رفتاری بین‌المللی» قابل پیگیری باشد. بهترین نماد و تبلور عقلانیت اسلامی، همان سیاستهای رئیس‌جمهور خاتمی است که با اتکا به «تنش‌زدایی» و «اعتمادسازی» در مسیر گفت‌وگوی مبتنی بر احترام متقابل و همه‌جانبه بین تمدنها به پیش می‌رود.

دیدگاه رهبر عالی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر ضرورت پیشبرد سیاست خارجی بر اساس اصول «عزت، حکمت و مصلحت» نشانگر آن است که متولیان سیاست خارجی ایران سعی می‌کنند با تعقل‌گرایی کامل حداکثر تلاش خود را در جهت تأمین منافع ملی به عمل آورند. بدیهی است که منافع ملی یک کشور همیشه ثابت نیست و به تناسب زمان و مکان و تحت تأثیر تحولات بین‌المللی دچار تغییر می‌شود. به عبارت دیگر جدا از اصول ثابتی همچون حفظ استقلال و تمامیت ارضی که در مورد سیاست خارجی همه کشورها صادق است، سایر منافع در حوزه سیاست خارجی ممکن است در دوره‌های مختلف دچار تغییراتی شوند. تعریف منافع ملی در شرایطی که امنیت ملی یک کشور به دلایل مختلف داخلی یا خارجی در خطر باشد با تعریف آن در دوران ثبات و آرامش در مرزها، تفاوت‌های اساسی دارد. بنابراین درک به موقع تغییرات و ارائه تعریف جدید از منافع ملی متناسب با شرایط زمانی و مکانی امری اجتناب‌ناپذیر است.

البته تغییر منافع ملی به مفهوم تغییر اصول و اهداف کلی سیاست خارجی کشور نیست. به همین جهت در سومین برنامه پنجساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران تأکید شده است که دستگاههای مسئول در سیاست خارجی می‌باید با حفظ ثبات در سیاست خارجی، و با رعایت موازین عقلانی عزت، حکمت و مصلحت، تعقیب هدفهای زیر را سرلوحه برنامه‌های خود قرار دهند:

- گسترش همکاری‌های دو جانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی

- بهره‌گیری از روابط برای افزایش توان ملی

- تلاش برای ایجاد نزدیکی بیشتر میان کشورهای اسلامی

- ادامه پرهیز از تشنج در روابط با کشورهای غیر متخاصم

- مقابله با افزون‌خواهی و اقدام متجاوزانه در روابط خارجی

هدفهای مزبور نشان می‌دهد که راهبرد تنش‌زدایی در چارچوب عزت، حکمت و مصلحت بدین معناست که ایران در سیاست خارجی خود در صدد رفع سوء تفاهمات انباشته شده از گذشته و تلاش برای پایان دادن به هر نوع تنازع و کشمکش بین‌المللی است. این نگرش اصولی در سیاست خارجی به معنای دعوت جهان به صلح مبتنی بر عدالت و برابری و حذف زور در روابط بین‌المللی می‌باشد.

## ۳- چالشهای سیاست خارجی ایران

سیاست خارجی ایران با چالشهای چندی روبرو است که مهمترین آنها جهانی شدن، یکجانبه گرایی آمریکا و موانع استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای است. روند جهانی شدن که سیاست خارجی و حتی سیاست داخلی همه کشورهای را به چالش کشیده است معمولاً در سه زمینه تحت عنوان لیبرالیسم اقتصادی، دموکراتیزاسیون سیاسی و جهان گرایی فرهنگی بررسی می‌شود. این روند از اتحاد سه جانبه آمریکا، اروپا و ژاپن در نظام سرمایه‌داری غرب از سال ۱۹۷۳ به صورت امروری آن بروز یافت و پس از فروپاشی مرزهای جنگ سرد سراسر کره زمین را در بر گرفت.

جهانی شدن، منطق مؤسسات اقتصادی و شرکتهای چند ملیتی است که امروزه تعداد آنها در سطح جهان بالغ بر چهل هزار مورد است. کاهش موانع دادوستد با افراد و بنگاههای فرامرزی و یکسان ساختن هزینه تجارت با این بنگاهها با هزینه تجارت بین شرکتهای داخلی کشورها هدف عمده روند جهانی شدن در زمینه اقتصادی است.

در زمینه سیاست بین الملل، همه اصولی که قبلاً برای حاکمیت ملی در حقوق بین الملل ذکر می‌شد نظیر اصل برابری دول بزرگ و کوچک از نظر حقوقی، اصل عدم مداخله در امور داخلی دیگران و این اصل که حق حاکمیت ملی صرفاً در اختیار قدرت مشروع در حوزه داخلی کشورهاست هر کدام به نحوی مورد چالش قرار گرفته‌اند. متأسفانه مشروعیت همه قواعد و تحرکات بین المللی بر مبنای فتح و پیروزی نظامی یعنی تعبیر معروف «الحق لمن غلب» توجیه می‌شود. در مجموع اگر چه جهانی شدن موجب فروپاشی حاکمیت‌ها نیست، لیکن عاملی برای فرسایش حاکمیت‌ها و محدودیت برای حاکمیت‌های ملی هست.

در زمینه فرهنگی تدریجاً شاهد شناور شدن بسیاری از مفاهیم فرهنگی در سطح جهان هستیم. تضعیف هویت ملی کشورها و جایگزین کردن آن از طریق ایجاد هویت‌های مجازی اینترنتی یعنی تحمیل الگوهای رفتاری مشابه، برای کشورهای مستقل تهدیدناپذیر است. شبیه‌سازی یا یکسان‌سازی فرهنگی و ایجاد انتظارات و توقعات واحد برای همه مردم جهان به دلیل گردش سریع اطلاعات برای کشورهای در حال توسعه مشکل آفرین می‌باشد.

البته روند جهانی شدن در کنار آفات خود فرصتهایی را نیز برای کشورها ایجاد می‌کند که نوع و میزان این فرصتها برای کشورهای مختلف، متفاوت است.

به نظر ما، ایستادگی متعصبانه در برابر این روند، خودفریبی و فرار از واقعیت است و لازمه مصون ماندن از آفات جهانی شدن، اصلاح ساختار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. معقولترین

به گفته رئیس جمهور خاتمی «سیاست تنش زدایی به معنی غفلت و ناهوشیاری در برابر تهدیدها نیست بلکه شناخت مرزهای دشمنی و تلاش برای تقویت دوستی‌ها و جنبه‌های اشتراک و هوشیاری در برابر تهدیدهاست.»

بدیهی است که لازمه تنش زدایی «گفتگو» و تبادل اندیشه است. گفتگو می‌تواند به عنوان ابزاری قوی در سیاست خارجی، علاوه بر کاهش اختلافات، راهگشای اعتمادسازی و همکاری، در محیطی عاری از سلطه باشد. به نظر ما بهترین راه تضمین اهداف متعارف سیاست خارجی نظیر حفظ امنیت و تمامیت ارضی، حراست از نظام متکامل سیاسی، تأمین رفاه عمومی و حفظ و تقویت هویت فرهنگی «راه گفتگو» است. عالیترین سطح گفتگو در عرصه بین المللی نیز «گفتگوی تمدنها» خواهد بود.

رئیس جمهور خاتمی در سخنرانی در دانشگاه فلورانس (ایتالیا) در مورد گفتگوی تمدنها چنین می‌گوید: «گفتن و اندیشیدن کوششی دوجانبه یا چندجانبه است برای نزدیکتر شدن به حقیقت و دست یافتن به تفاهم... برای تحقق گفتگوی واقعی میان تمدنها لازم است «شرق» به جای آنکه «موضوع» شناخت باشد به «شریک» بحث و طرف مکالمه تبدیل شود و این گام بسیار مهمی است که باید اروپا و آمریکا برای تحقق طرح گفتگوی تمدنها بردارند»

نظریه گفتگوی تمدنها، شکل گیری نظام بین المللی بر اساس اصل تنازع بقاء داروینیسیم و دیدگاه حرص و آز و ترس توماس هابز را به چالش می‌کشد و نه تنها تهاجم، خشونت و افراط گرایی را نفی می‌کند بلکه قائل به همزیستی و تفاهم بر مبنای تعقل، تعامل و گفتگو با ارزش گذاری بر همه دستاوردهای خوب تمدنها به عنوان مصالح متقابل بشری است.

این نظریه به عنوان یکی از مبانی رفتاری جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی، تمام جوامع و تمدنها را از خشونت و خصومت به تحمل و همبستگی فرامی‌خواند و ضمن پذیرش تنوع میان تمدنها، الگوی رفتار مصالحه‌جویانه را به جای الگوی تعارض و مناقشه در عرصه سیاست خارجی ارائه می‌دهد.

اجازه بدهید در پایان این بخش در یک جمع‌بندی تأکید کنیم که تنش زدایی، گفتگوی تمدنها، اعتمادسازی، همکاری و مشارکت، مبانی رفتاری جمهوری اسلامی ایران در عرصه سیاست خارجی است. روح حاکم بر این رفتار «عقلانیت اسلامی آمیخته با موازین مدنی پذیرفته شده جهانی» است. این آمیختگی و تلفیق با رعایت عزت، حکمت و مصلحت ملی و با الهام از ویژگیهای دائمی چهارگانه سیاست خارجی ایران یعنی منطق ژئوپلیتیک، منطق ژئواکونومیک، حساسیت هوشمندانه ایرانیان نسبت به حاکمیت ملی خود و هویت فرهنگی خود آگاه آنان صورت می‌پذیرد.

هنری کیسینجر در کتاب «به سوی دیپلماسی برای قرن ۲۱»<sup>۲</sup> منتشره در سال ۲۰۰۱ میلادی سه تجربه و یا ملاحظه استراتژیک را برای سیاستمداران آینده به میراث می‌گذارد که می‌تواند محک ارزیابی سیاست منطقه‌ای خلیج فارس امروز آمریکا باشد:

۱- موفقیت هر دکترین سیاست خارجی به نحوه ارتباط آن با زمینه تاریخی بی‌بستگی دارد که باید در آن به اجرا درآید.

۲- چنانچه سیاستی در سطح جهانی و منطقه‌ای قابل اجرا نبوده و یا دست کم برای اکثریت وسیعی از وضعیت‌های مورد پیش‌بینی قابلیت اجرایی نداشته باشد از نظر جهانیان به عنوان سلطه‌مستبدانه و پاریکاری خودپسندانه به نظر خواهد رسید.

۳- چنانچه جامعه بین‌المللی با اهداف و مقاصد یک سیاست همراه نباشد، طراح سیاست مجبور خواهد شد یا نظر خود را تحمیل نماید و یا از مسائل کناره‌گیری کند. چنین سیاستی زود مغلوب موانع فزاینده محلی خواهد شد و یا حمایت سیاست داخلی و افکار عمومی را از دست خواهد داد.

در هر صورت امروزه مقابله با یکجانبه‌گرایی آمریکا در دستور کار سیاست خارجی کشورهای مستقل جهان از جمله جمهوری اسلامی ایران قرار دارد.

چالش دیگری که امروزه فراروی سیاست خارجی بسیاری از کشورها از جمله کشور ما قرار گرفته، استفاده ایزاری قدرتهای بزرگ بویژه آمریکا از برخی معاهدات و مقررات بین‌المللی برای فشار علیه این کشورهاست. مصداق بارز این چالش، فشارها و موانعی است که برخلاف متن صریح ماده ۴ معاهده «ان.بی.تی»<sup>۵</sup> علیه استفاده صلح‌آمیز جمهوری اسلامی ایران از انرژی هسته‌ای اعمال می‌گردد.

در معاهده منع گسترش سلاحهای هسته‌ای به سه موضوع مهم تأکید شده است: اول آنکه، کشورهای دارای سلاح هسته‌ای نباید آن را به دیگری بدهند و باید منحصرأ در اختیار آنها باشد. (مندرج در ماده ۱ معاهده). دوم آنکه، کشورهایی که دارای سلاح هسته‌ای نیستند حق ندارند در پی دستیابی به آن باشند (مندرج در ماده ۲)؛ و سومین موضوع آن است که بنا به ماده چهار معاهده، کشورهایی که دارای سلاح هسته‌ای نیستند باید از تمام امکانات فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز برخوردار باشند؛ حتی کشورهای دارنده این فناوری باید آن را در اختیار کشورهای در حال توسعه قرار دهند. این همان تعهدی است که متأسفانه امروزه به آن عمل نمی‌شود.

عین عبارت مندرج در ماده چهار معاهده بدین صورت است: «هیچیک از مقررات پیمان حاضر به نحوی تعبیر نخواهد گردید که به حقوق غیر قابل تفریض هر یک از دول طرف پیمان در راه توسعه تحقیقات و تولید و بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای با هدفهای

گزینه در برخورد با این روند، تقویت اقتدار ملی به عنوان انتخاب «کنش هوشمندانه و مقتدرانه» برای تعامل با جهان خارج می‌باشد.

پشتوانه‌های داخلی این کنش، اصرار و اقدام به عدالت اجتماعی، ریشه‌کن ساختن تبعیض، مبارزه قاطع با فساد سیاسی، مالی و اداری، افزایش احساس آرامش و امنیت، تقویت درآمد عمومی، یکپارچگی داخلی و انسجام نخبگان فکری بر حول محور تعریفی واحد، از منافع ملی است.

رفتار یکجانبه‌گرایانه آمریکا که عمدتاً از سال ۱۹۹۱ میلادی شروع شده و بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر بیشتر ظاهر شده است چالش دیگری است که فراروی سیاست خارجی تقریباً همه کشورهای جهان قرار دارد. واقعیت آن است که از حدود سه دهه قبل اقلیتی در سنای آمریکا به رهبری «جسی هلمز» (Jesse Helms) وجود داشته که موافق رعایت موازین و میثاقهای بین‌المللی از سوی آمریکا نبوده است. این اقلیت در تصمیم‌گیری‌های ایالات متحده آمریکا تأثیر تعیین‌کننده‌ای داشته و راستگرترین محافظ سیاسی این کشور را نمایندگی می‌کند. اقلیت مزبور در دوره حکومت جورج دبلیو بوش از قدرت بالایی برخوردار شده و نگاه آنها به تحولات جهانی، نگاهی یکجانبه و از موضع قدرت و صرفاً از زاویه دید محافظ اقتصادی قدرتمند آمریکاست. طیف قابل توجهی از این محافظ را مجتمعات صنعتی- نظامی تشکیل می‌دهد.

آنها آشکارا و صریح می‌گویند که فقط به آن دسته از مقررات بین‌المللی که در چارچوب منافع آمریکا باشد احترام می‌گذارند.

به همین جهت از پیمان ای. بی. ام. (A.B.M.) خارج شدند، به معاهده منع آزمایشات هسته‌ای (به دلیل آنکه سنای آمریکا تصویب نکرد) نیوستند؛ از معاهده کیوتو و گازهای گلخانه‌ای خارج شدند و صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی را نپذیرفتند. جرج بوش می‌گوید: «من به شدت دیوان کیفری بین‌المللی را رد می‌کنم. من چنین چیزی را قبول ندارم. من وضعیتی را که بر اساس آن سربازان و دیپلماتهای ما برای محاکمه در دادگاه حاضر شوند نمی‌پذیرم... من انعقاد قرار داد مصونیت اتباع آمریکایی موسوم به ماده ۹۸ (درخواست مستثنی کردن اتباع آمریکا از محاکمه شدن در دیوان کیفری بین‌المللی) را خواستارم»<sup>۳</sup>

آمریکا قصد دارد نظام و ستفالیایی را که چهار صد سال مستحکم باقی مانده است تغییر دهد. آمریکا در رابطه با مسئله عراق در پی نهادینه کردن یکجانبه‌گرایی است و این خطر بزرگی نه تنها برای منطقه ما بلکه برای کل جهان است. اگر یکجانبه‌گرایی تثبیت شود شاید بتوانیم بگوئیم حاکمیت‌های ملی حتی به صورت شناور هم که تا امروز وجود داشته در معرض خطر و چالش جدی قرار خواهند گرفت.

صلح جوانانه، بدون تبعیض و طبق مقررات مواد ۱ و ۲ پیمان حاضر، لطمه‌ای وارد سازد.»

دقت در مفاد معاهده فوق و مقایسه آن با واقعیت‌های موجود، مبین نقض گسترده ماده چهار این معاهده و پایمال شدن حق کشورهای در حال توسعه بویژه جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. به همین جهت ایران به عنوان يك کشور عضو معاهده و برخوردار از ظرفیت علمی لازم در زمینه استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای تلاش می‌کند از این حق طبیعی و بین‌المللی خود دفاع نماید.

#### ۴- اولویتها در روابط خارجی ایران

بطور کلی اولویت‌های درجه اول روابط خارجی ایران در سه حلقه به هم پیوسته جغرافیایی قابل تصور می‌باشد. حلقه اول مربوط به همسایگان است. حلقه دوم از يك طرف هند، چین و ژاپن و از طرف دیگر اروپا را در بر می‌گیرد. حلقه سوم در برگیرنده ایالات متحده آمریکا است.

همسایگان ما در درجه اول اهمیت قرار دارند چرا که در حوزه امنیتی بلافاصل ما قرار می‌گیرند. با بسیاری از همسایگان علاوه بر همکاری در زمینه‌های گوناگون، وارد مرحله مشارکت شده‌ایم و با برخی دیگر همچنان بر اساس سیاست تنش زدایی در حال اعتماد سازی هستیم.

در مورد روابط با کشورهای صنعتی لازم به توضیح است که حدود ۸۵ درصد تجارت خارجی ایران با آلمان، انگلستان، فرانسه، ایتالیا و ژاپن صورت می‌گیرد. این واقعیت اقتصادی بر جنبه‌های دیگر سیاست خارجی ایران تأثیر گذار است. با چین و هند نیز روابط اقتصادی گسترده‌ای داریم. به همین علت کشورهای فوق در دومین حلقه از اولویت‌های روابط خارجی ما قرار می‌گیرند. نکته قابل توجه در روابط ایران و اروپا این است که آنها دنبال سیاست‌های جاه طلبانه در ایران نیستند.

کشورهای حوزه خاور میانه نیز در زمره اولویت دوم روابط خارجی ما قرار دارند. این امر به دلیل اهمیت مسئله فلسطین و قدس شریف در سیاست خارجی ماست. حتی برای برقراری يك صلح عادلانه و پایدار راه حل صریح ارائه داده‌ایم که در سال ۲۰۰۱ توسط رئیس‌جمهور خاتمی در اجلاس سران کنفرانس اسلامی در دوحه مطرح شد.

در مورد نگرش ما به آمریکا، واقعیت آن است که این کشور در سیاست خارجی ایران از اهمیت بالایی برخوردار است. به عبارت دیگر چه روابط خوبی با آمریکا داشته باشیم یا نداشته باشیم به دلیل تأثیر گذاری زیاد این کشور بر سیاست‌های منطقه و واقعیت حضور آن در خاور میانه، می‌باید اولویت لازم را به آن بدهیم.

مشکل روابط ما با آمریکا در این است که از بدو پیروزی انقلاب

اسلامی و تأسیس حکومت جمهوری اسلامی، جهت گیری سیاست خارجی آمریکا مبتنی بر مقابله با ایران بوده است. سیاستمداران آمریکا با خط فکری مستقل ایران مخالفند و لذا تا زمانی که واشنگتن خط خصومت علیه ایران را دنبال می‌کند منطقی برای فتح باب مذاکره با آنها نمی‌بینیم. البته برخی از صاحب نظران سیاسی آمریکا به این نتیجه رسیده‌اند که «سیاست»، هنر حل صحیح مسائلی است که مطابق میل انسان نیست. آنها به این واقعیت رسیده‌اند که بدون گفتگو مبتنی بر احترام متقابل با ایران راه به جایی نخواهند برد.

#### ۵- اهمیت اقتصاد و تجارت در روابط خارجی ایران

رفاه ملی (Welfare Policy) یکی از مبانی تعیین اهداف سیاست خارجی هر کشور به شمار می‌رود. همچنین در الگوی نسبتاً ثابت سلسله مراتب منافع ملی هر کشور پاسخ به انتظارات و تقاضاهای شهروندان در مورد سطح زندگی بالاتر، از ارکان تدوین هرم منافع ملی می‌باشد. به همین جهت، جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر وارد مرحله جدیدی از سیاستگذاری و برنامه ریزی اقتصادی و گسترش ظرفیت‌های زیربنایی، تولیدی و تجاری خود شده است. در خلال سال‌های گذشته دو برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی طراحی و به مرحله اجرا در آمده و اکنون در اواخر اجرای برنامه پنج ساله سوم می‌باشیم. هدف این برنامه انجام اصلاحات اقتصادی و اعمال سیاست‌های کلان از جمله تصحیح ساختارهای مالی، پولی، کاهش تصدی دولتی، تسهیل مقررات، واگذاری سهام کارخانجات به مردم، تسهیل قوانین سرمایه گذاری خارجی و جذب این گونه سرمایه‌ها، افزایش ظرفیت‌های تولیدی و نهایتاً بالا بردن شاخص‌های اقتصاد ملی است.

ما به طور جدی بر این اعتقادیم به میزانی که رقابت در عرصه اقتصاد کاهش یابد از ابتکار مدیریتی و زایش ذهن کاسته می‌شود و از این رو است که با تجدیدنظر در نحوه مدیریت اقتصادی در صدیم روند مدیریت و مقررات در راستای تولید و سرمایه گذاری تغییر یابد. برنامه سوم توسعه اقتصادی ایران اهتمام زیادی به افزایش سرمایه گذاری در بخش‌های زیربنایی و تولیدی با هدف توسعه صادرات غیر نفتی و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی دارد و در این راستا به گسترش فعالیت‌های بخش خصوصی توجه ویژه‌ای شده است.

تأسیس صندوق ذخیره ارزی از جمله اقدامات زیربنایی انجام شده در دولت رئیس‌جمهور خاتمی است. تا به حال پروژه‌های تولیدی و صنعتی متعددی با استفاده از تسهیلات این صندوق توسط بخش خصوصی راه اندازی شده است.

اقدام مهم دیگری که از مدتی قبل بطور جدی در دستور کار

سیاستهای ایران نسبت به همسایگان در حوزه خلیج فارس باشد، لذا حول سه محور به تبیین موضوع فوق می‌پردازم. عناوین سه گانه، شامل «اهمیت جهانی خلیج فارس»، «سیاستهای منطقه‌ای ایران در خلیج فارس» و «بالاخره «تعاملات ایران با اعضای شورای همکاری خلیج فارس» به ترتیب مورد بحث قرار خواهند گرفت.

### ۱- اهمیت جهانی خلیج فارس

منطقه خلیج فارس از جنبه‌های گوناگون حائز اهمیت جهانی است. در دیدگاه‌های نظریه پردازان و استراتژیستهای قرن نوزدهم به بعد بطور مکرر به اهمیت این منطقه اشاره شده است.

در نظریه هالفورد مکیندر (۱۸۶۱-۱۹۴۷) در مقاله «محور جغرافیایی تاریخ» منتشره در سال ۱۹۰۴ میلادی، خلیج فارس جزو حاشیه هلالی شکلی بود که هار تلند یا قلب زمین (شامل اروپای شرقی و آسیای مرکزی در زمان سلطه شوروی) را دربر می‌گرفت. اسپایکمن خلیج فارس را جزو ریملند و کنترل آن را معادل با حکومت بر جهان دانسته بود. لیکن در نظریه‌های جدید ژئوپلیتیکی، خلیج فارس به سرزمین هار تلند یا محور یا به گفته لوهازن به «مرکز مرکز» تبدیل شده است.

یوردیس فون لوهازن در سال ۱۹۹۶ در کتاب «امپراتوری‌ها و قدرت: ژئوپلیتیک امروزین» می‌نویسد: «خاورمیانه مرکز دنیای قدیم است و در دل خاورمیانه در سرزمین باستانی او در مصب رودخانه دجله و فرات، خلیج فارس قرار دارد که به منزله «مرکز مرکز» شناخته می‌شود و هر گونه آشفتگی که بر اثر عوامل بیرونی در این منطقه پدید آید پیامدهایی را برای دو قاره اروپا و آفریقا خواهد داشت».

در دوران جنگ سرد، منطقه خلیج فارس در کنار اروپا و جنوب شرقی آسیای یکی از سه جبهه استراتژیک برای رقابتهای نظام دو قطبی بود. ثبات ژئوپلیتیکی این منطقه به عنوان اساس توازن ژئوپلیتیکی بین دو ابر قدرت به حساب می‌آمد.

در نظام جدید جهانی، در توازن قدرتهای آینده، برتری از آن قدرتی خواهد بود که بر مناطق ژئواکونومیک تسلط داشته باشد. ادوارد لاتواک و ژان ژاک شرایبر دو نظریه‌پرداز عرصه ژئواکونومی بر این نظریه تصریح دارند و تسلط بر خلیج فارس را مقدمه تسلط بر جهان می‌دانند. به همین جهت یکی از اهداف آمریکای در ارائه نظم نوین جهانی، کنترل منابع انرژی بویژه در منطقه خلیج فارس می‌باشد.

اگر چه منطقه خلیج فارس از جنبه‌های مختلف اهمیت دارد؛ لیکن مهمترین جنبه اهمیت استراتژیکی آن در این واقعیت نهفته است که حدود ۶۶٪ ذخایر اثبات شده نفت خام و ۲۳٪ ذخایر اثبات شده گاز جهان در این منطقه قرار دارد.

روابط اقتصادی خارجی ایران قرار گرفته، منطقی نمودن تراز تجاری ایران با کشورهای طرف همکاری است. این وظیفه خطیر بر عهده معاونت اقتصادی وزارت امور خارجه ایران نهاده شده است.

جمهوری اسلامی ایران در پرتو سیاستهای جدید اقتصادی در سالهای اخیر، در بسیاری از بخش‌های اقتصادی نه تنها به خود کفایی رسیده بلکه توانسته است با افزایش تولیدات ویژه در زمینه فرآورده‌های پتروشیمی، فولاد، برق، سیمان، آلومینیوم، مواد معدنی و نیز کالاهای مصرفی و واسطه‌ای وارد بازارهای منطقه‌ای و جهانی شود. همچنین ایران، در خصوص صدور خدمات فنی و مهندسی از جمله طراحی و مشاوره در ساخت پالایشگاهها و نیروگاهها و برخی واحدهای تولیدی از جمله کارخانجات تولید سیمان و ایجاد تأسیسات زیربنایی، موفقیت‌های قابل ملاحظه‌ای بدست آورده و توانسته است طرح‌های گوناگون را در کشورهای مختلف اجراء نماید.

در حال حاضر برخی از کشورها اعم از منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از این امکانات و تجربیات بهره می‌برند. توجه به این مهم در روابط اقتصادی سلطنت عمان و جمهوری اسلامی ایران می‌تواند موجبات توسعه پایدار و نهادینه شدن روابط اقتصادی دو کشور را فراهم آورد.

### ب- سیاست ایران نسبت به همسایگان بویژه همسایگان در حوزه خلیج فارس

همانطور که قبلاً اشاره کردم اولویت اول در روابط خارجی ما رابطه با همسایگان است. ایران از روابط رضایتبخشی با ترکیه، عراق، پاکستان، افغانستان، روسیه و کشورهای مستقل مشترک المنافع برخوردار است. در فضای روابط ما با این کشورها، تهدید و خصومت به چشم نمی‌خورد.

در پرتو سیاست تنش‌زدایی و اقدامات اعتمادسازی، بسیاری از سوء تفاهماتی که توسط قدرتهای فرامنطقه‌ای در ذهن همسایگان ایران در حاشیه جنوبی خلیج فارس ایجاد شده بود رفع شده است. سطح روابط ما با این کشورها در چند سال اخیر از ارتقاء قابل توجهی برخوردار بوده است. همکاری‌های ایران با کشورهای جنوبی حوزه خلیج فارس علاوه بر زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، زمینه‌های امنیتی را نیز دربر گرفته است.

تشکیل «انجمن دوستی ایران و عرب»<sup>۷</sup> و طرح عضویت ناظر ایران در اتحادیه عرب مبین این حقیقت است که روابط ایران با همسایگان جنوبی نیز می‌تواند از سطح «همکاری» به سطح «مشارکت» ارتقاء یابد.

نظر به اینکه قرار است نقل این بخش از بحث ما در مورد

از ۱۰۰۳ میلیارد بشکه کل ذخایر اثبات شده نفت جهان، ۶۶۳ میلیارد بشکه یعنی ۶۶٪ آن در خلیج فارس قرار دارد؛ از مابقی ذخایر اثبات شده، ۱۵۸ میلیارد بشکه (۱۵/۷٪) در آمریکای شمالی و جنوبی، ۶۲ میلیارد بشکه (۶/۲٪) در آفریقا، ۷۶ میلیارد بشکه (۷/۶٪) در اروپا و ۴۳ میلیارد بشکه (۴/۳٪) در آسیای دور و اقیانوسیه قرار دارد.<sup>۸</sup>

نکته قابل توجه آن است که نفت خلیج فارس از مزیت‌هایی نظیر کیفیت بالا، میزان ذخایر بالا در هر چاه، بازدهی بالای هر چاه، امکان کشف ذخایر جدید، پایین بودن هزینه تولید و ارزان بودن هزینه حمل و نقل برخوردار است. میزان ذخایر نفت در هر چاه خلیج فارس بین ۲۵۰ هزار تا یک میلیون تن و در نوزولا حدود بیست هزار تن [و در آمریکا ششصد تن] است.

بنا به پیش‌بینی آژانس بین‌المللی انرژی در سند «چشم‌اندازهای انرژی جهانی تا سال ۲۰۲۰»، تولید نفت از ۶۲/۷ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۹۶ به ۷۸/۹ میلیون بشکه در سال ۲۰۱۰ و باندکی کاهش به ۷۲/۲ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۲۰ خواهد رسید. این در حالی است که تولید جهانی نفت در خارج از حوزه خلیج فارس از روزی ۴۵/۵ میلیون بشکه در سال ۱۹۹۶ به روزی ۲۷ میلیون بشکه در سال ۲۰۲۰ کاهش خواهد یافت. براساس این آمار، تولید نفت خلیج فارس یک رشد ۱۶۲/۷ درصدی خواهد داشت (از ۱۷/۲ به ۴۵/۲ میلیون بشکه). این امر به معنای وابستگی بیشتر آمریکا و اروپا به نفت خلیج فارس خواهد بود. وابستگی آمریکا به واردات نفت در سال ۲۰۰۰ به ۵۷٪، وابستگی اروپا در سال ۱۹۹۵ به ۸۸٪ و وابستگی ژاپن نیز ۱۰۰٪ بوده است. بنابه بررسی‌های به عمل آمده، در سال ۲۰۲۰ بیش از ۶۰٪ نفت تولیدی جهان از منطقه خلیج فارس تأمین می‌شود و در نیمه قرن ۲۱، امکان صدور نفت تقریباً در انحصار پنج کشور ابر نفت جهان شامل ایران، امارات، عربستان، کویت و عراق خواهد بود.

با توجه به واقعیت‌های مزبور مشخص می‌شود که چرا کیسینجر در سال ۱۹۷۵ طرح اشغال جاهای نفت خلیج فارس را ارائه کرده بود (منتشره در نشریه کمتری (Commentary)؛ یا چرا آمریکا از جنگ ۱۹۹۱ خلیج فارس به عنوان یک فرصت طلایی استفاده کرد تا بر خلیج فارس مسلط شود. در همان سال آمریکا برای اولین بار مرکز ناوگان پنجم خود را در خلیج فارس و دریای سرخ قرار داد.

خانم اینهایم می‌نویسد: یکی از اهدافی که آمریکا (نیکسون) در سال ۱۹۷۱ از افزایش بهای نفت دنبال می‌کرد، کاهش توان رقابت اقتصادی آلمان و ژاپن بود که سخت به واردات نفت وابسته بودند. نعام جامسکی نیز در برشمردن اهداف عمده‌ای که آمریکا در ارتباط با مسئله نفت در خلیج فارس دنبال می‌کند می‌نویسد: «به دلیل

وابستگی شدید متحدان آمریکا به نفت خلیج فارس و تسلط آمریکا بر این منطقه، این کشور می‌تواند در روابط با هم‌پیمانان خود از حق و تو نسبت به تحولات نظامی و صنعتی در ژاپن و آلمان برخوردار شود.»

جالب توجه است که در هر دو جنگ جهانی نیز، هدف آمریکایی‌ها نبود کردن قدرت آلمان و ژاپن بود. به گفته دانیل بل «اقتصاد ادامه جنگ است با ابزاری دیگر». یوردیس فون لوهازن نیز می‌گوید: «آمریکا با تسلط بر نفت خلیج فارس، سر نوشت رونق و رفاه اروپای غربی و ژاپن را در اختیار خواهد داشت.»

این اطلاعات<sup>۱</sup> و اظهارات در عین بازشناسی اهمیت جهانی خلیج فارس به ما کمک خواهد کرد تا در تحلیل تحولات منطقه‌ای و جهانی با واقع‌بینی بیشتری عمل کنیم.

## ۲- سیاست‌های منطقه‌ای ایران در خلیج فارس

با توجه به نقش حیاتی نفت و گاز صادراتی منطقه خلیج فارس در اقتصاد جهانی و همچنین نقش درآمدهای نفتی در زندگی اقتصادی ایران، امنیت خلیج فارس و ثبات بازار جهانی نفت از اولویت بالایی در سیاست خارجی ایران برخوردار است.

مهمترین منافع ما در خلیج فارس در سه زمینه زیر خلاصه می‌شود:

- ۱- بهره‌برداری از منابع طبیعی آن یعنی نفت، گاز و منابع دریایی
- ۲- تضمین امنیت آبراه
- ۳- زندگی با همسایگان در صلح و آرامش

موقعیت ژئواستراتژیکی ایران، بهم پیوستگی فراگیری بین امنیت ایران و امنیت خلیج فارس بوجود آورده است. ناگفته پیداست که بررسی امنیت از نگاه صرف نظامی نمی‌تواند با ابعاد فراوان مسئله امنیت در جهان امروز منطبق باشد. بر این اساس برای تأمین امنیت در منطقه خلیج فارس، ایران و سایر کشورهای منطقه ناگزیرند با گسترش همکاری‌ها در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و گره زدن منافع خود به یکدیگر، فضای لازم را برای دستیابی به امنیت پایدار در منطقه فراهم سازند. از نظر ما<sup>۱</sup>، رهیافت خردمندانه و مفید آن است که امنیت در این منطقه به طور دسته جمعی و برای کلیه کشورهای در چارچوب مقررات و قوانین بین‌المللی تأمین و تعریف گردد و از سیاست‌های انحصاری و سلطه طلبانه خودداری شود.

در صورت جامه عمل پوشیدن نظام امنیتی مبتنی بر «همکاری دسته جمعی» در سطح منطقه، منابع داخلی کشورها آزاد خواهد شد و در مسیر توسعه ملی به کار خواهد افتاد. ایجاد سیستم امنیت دسته جمعی و همکاری منطقه‌ای، دسترسی به سرمایه‌گذاری خارجی و فناوری خارجی را نیز تسهیل خواهد کرد.

## مسالمت آمیز

- تنظیم رفت و آمد کشتیها و آزادی کشتیرانی در خلیج فارس  
- و ابراز علاقه به ماندن منطقه، خارج از نفوذ و درگیریهای  
بین المللی

کلیه دولتهای منطقه به جز عراق برای شرکت در این اجلاس  
موافقت نمودند و لیکن عراق معتقد بود که این یک نوع پیمان امنیت  
منطقه‌ای است که با سیاست عراق در تعارض می باشد و شکست  
اجلاس را اعلام داشت. کنفرانس دوم مسقط در سال ۱۹۷۷ نیز به  
علت عدم حضور عراق با شکست مواجه شد.

در سال ۱۹۸۱ با تشکیل شورای همکاری خلیج فارس، از  
همان آغاز مسئله تأمین امنیت داخلی در سرلوحه اهداف و اقدامات  
شورا قرار گرفت. این شورا اصول اساسی زیر را برای تحقق امنیت  
خلیج فارس لازم دانست:

- تکیه بر عدم مداخله در امور داخلی دیگران

- حل اختلافات با روشهای مسالمت آمیز و پذیرش اصول

همزیستی مسالمت آمیز

- امنیت دسته جمعی کشورهای عضو

- و دور ساختن منطقه از نفوذ خارجی بر مبنای ایجاد سیاست

عدم تعهد

جمهوری اسلامی ایران نیز از همان ابتدا بر این باور بوده و هست  
که امنیتش با امنیت خلیج فارس به هم پیوسته بوده و تفکیک ناپذیر  
می باشد؛ لذا سیاستهای اصولی زیر را مبنای رفتار منطقه‌ای خود  
قرار داده است:

۱- تضمین خروج بلاوقفه نفت از خلیج فارس به بازارهای

جهانی

۲- حراست از استقلال سیاسی و تمامیت ارضی تمامی  
کشورهای حوزه خلیج فارس بدون توجه به ماهیت سیستم حکومتی  
آنها.

۳- مخالفت با هر گونه سلطه خارجی بر کشورهای منطقه

۴- مخالفت با تلاشهای هر یک از کشورهای منطقه برای اعمال  
سلطه بر کشور دیگر

۵- کاهش و رفع تشنج‌ات و ایجاد اعتماد میان کشورهای منطقه  
بویژه از طریق گفتگو

۶- حل و فصل تمام اختلافات مرزی اعم از دریایی و زمینی میان  
کشورهای منطقه از طریق مسالمت آمیز.

۷- تردیدی ضرر و لاینقطع شناورهای کشورهای خارجی و  
منطقه‌ای در آبهای بین المللی خلیج فارس

جمهوری اسلامی ایران منادی یک امنیت دسته جمعی بوده و این  
امر تنها از طریق گفتگو، تفاهم، سوءظن زدایی، اعتمادسازی،

برای درک آثار مخرب مسابقه تسلیحاتی در منطقه کافی است  
بدانیم که از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۲، عربستان سعودی به میزان  
۱۵۲/۵۲۲ میلیارد دلار قرارداد نظامی با کشورهای خارجی منعقد  
کرد. کویت حدود ۶۰ میلیارد و امارات نیز ۲۰/۲۷۵ میلیارد دلار  
صرف خریدهای نظامی کردند.

بررسی نتایج منازعات منطقه در دو دهه اخیر نشان می دهد که  
چگونه قدرتهای فرامنطقه‌ای از مظاهر قابل اغماض اختلافات در  
خلیج فارس بهره برداری سوء کردند و با تحریک سیاستهای داخلی و  
درون منطقه‌ای، انگیزه‌های غیر منطقی را فعال نموده و نخبگان  
منطقه را به پذیرش سیاستهای افراطی سوق دادند.

قدرتهای خارجی معمولاً تحت نقاب کمکهای بشر دوستانه و  
دفاع از دموکراسی و آزادی، موجب آشفتگی اجتماعی و به جان هم  
انداختن بخشهای مختلف جامعه علیه یکدیگر می شوند. اصولاً  
تحریکات قدرتهای فرامنطقه‌ای منجر به بی ثباتی داخلی در کشورها  
شده و بی ثباتی به نوبه خود مشوق دیکتاتوری نظامی می گردد. دست  
یازیدن به دیکتاتوری نیز منجر به خلق زمینه بی ثباتی بیشتر و بهانه  
برای دخالت قدرتها می گردد.

لذا ایران معتقد است که نیروهای فرامنطقه‌ای باید منطقه را ترک  
کنند. البته لازمه این کار، دستیابی کشورهای منطقه به یک سیستم  
امنیت دسته جمعی است که باید خود کشورهای منطقه از طریق  
گفتگو، اعتمادسازی، تبادل اطلاعات امنیتی و همکاریهای تدریجی  
نظامی و... به آن دست یابند.

در بررسی سابقه<sup>۱۱</sup> موضوع ترتیبات امنیتی در منطقه خلیج  
فارس از دهه ۱۹۷۰ به بعد می توان به دو مرحله مشخص اشاره کرد:

مرحله اول از ۱۹۷۱ تا ۱۹۸۱ یعنی از زمان عقب نشینی و  
خروج رسمی نیروهای بریتانیا از خلیج فارس تا زمان تشکیل  
شورای همکاری خلیج فارس که در این دوره زمانی میان دولتهای  
منطقه توافقی برای رسیدن به یک چارچوب امنیتی صورت نگرفت.  
مرحله دوم از زمان تشکیل شورای همکاری خلیج فارس به بعد  
بوده است. وقایع دو دهه اخیر نشان می دهد که ساختار امنیتی منطقه  
توانایی کافی نداشته و نیاز به تجدیدنظر و تقویت دارد.

در مقطع اول (۱۹۷۱ تا ۱۹۸۱)، آمریکا مشوق دولتهای منطقه به  
انعقاد قراردادهای امنیتی بود. دو مورد تلاش عربستان در سالهای  
۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ با گردهم آوردن وزرای خارجه منطقه خلیج فارس  
(بدون یمن جنوبی و عراق) نتیجه‌ای نداد. سلطنت عمان نیز در سال  
۱۹۷۶ خواستار برگزاری کنفرانس وزرای خارجه منطقه از جمله  
ایران و عراق شد و پیشنهادهایی به شرح زیر مطرح کرد:

- احترام به حاکمیت دولتها و عدم مداخله در امور داخلی دیگران  
- خودداری از بکارگیری زور و تهدید و حل اختلافات از راههای

هماهنگی و حرکت تدریجی به سمت ایجاد ائتلاف و انعقاد پیمانهای استراتژیک میسر است. سیاست ایران پیگیری اهداف خود در قدمهای پراگماتیک است. ما باید صبورانه در هر زمینه‌ای دست همکاری دراز کنیم تا همکاری‌ها به تدریج در زمینه‌های امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و سایر زمینه‌ها تحقق یابد. ما همچنین اعتقاد داریم که امضای یک پیمان عدم تجاوز توسط همه کشورهای منطقه به افزایش حس امنیت در خلیج فارس کمک خواهد کرد.

امید است با مشارکت همه کشورهای حوزه خلیج فارس و از طریق ایجاد یک سیستم امنیت دسته جمعی و با الهام از تجربه‌های موفق دیگر مناطق جهان نظیر منطقه آسه‌آن، معادله «نفث و بحران» در منطقه خلیج فارس به معادله «نفث و توسعه» تبدیل شود.<sup>۱۲</sup>

### ۳- تعاملات ایران با اعضای شورای همکاری خلیج فارس

مناسبات ایران با کشورهای حوزه خلیج فارس قبل از پیروزی انقلاب اسلامی بر اساس الزامات نظام بین‌المللی دوقطبی تنظیم شده بود. در آن زمان تسلط آمریکا بر منطقه بر دو پایه قدرت نظامی ایران و قدرت اقتصادی عربستان استوار بود. پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران، آمریکا در صدد برآمد تا از طریق جنگ تحمیلی هشت ساله عراق علیه ایران توانمندی‌های نظامی و زیرساختهای اقتصادی ایران و عراق را از بین ببرد.

سیاست جمهوری اسلامی ایران نسبت به همسایگانش پس از پایان جنگ تحمیلی «سیاست مبتنی بر عفو بود و نه انتقام». این درحالی است که عراق با حمایت و مشارکت برخی از کشورهای عضو شورای همکاری به شروع و ادامه این جنگ ظالمانه مبادرت کرده بود.

عملکرد ایران در برخورد با دو جنگ غم‌انگیز منطقه در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی ثابت می‌کند که کشور ما هیچگونه چشمداشتی نسبت به سرزمینهای همسایگانش ندارد. البته ما از همسایگان جنوبی خود بدلیل مواضع ایشان در طول جنگ عراق علیه ایران و کمکهای بیدریغ به رژیم صدام، گله‌مندیم ولی نباید خیلی عصبانی شد. همچنانکه گفته شد سیاست ما مبتنی بر سعه صدر و اغماض بوده است.

جمهوری اسلامی ایران با ۱۲۵۹ کیلومتر ساحل در خلیج فارس یعنی بیش از ۴۵٪ از کل ساحل این آبراه بین‌المللی و با برخورداری از حدود نیمی از جمعیت ۱۳۰ میلیون نفری کشورهای حوزه خلیج فارس، معتقد است که مسئولیت عظیمی در حفظ امنیت منطقه دارد.

ایران در طول سه دهه اخیر با الهام از آموزه‌های اسلامی و بر اساس سیاستهای اصولی و درازمدت خود، روندهای زیر را در

دستور کار روابط با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس قرار داده است:

- ۱- تنش زدایی به عنوان یک سیاست پایدار و نه تاکتیکی
- ۲- اقدامات اعتمادسازی
- ۳- گفتگوهای منظم ادواری در زمینه‌های مختلف روابط دوجانبه
- ۴- امضای موافقتنامه‌های امنیتی دوجانبه با اکثر این کشورها
- ۵- مبارزه مشترک علیه قاچاق مواد مخدر، تروریسم و جنایات سازمان یافته
- ۶- پیشنهاد ایجاد ترتیبات همکاری اقتصادی
- ۷- پیشنهاد امضای پیمان عدم تجاوز
- ۸- پیشنهاد ایجاد ترتیبات امنیت دسته جمعی توسط کشورهای ساحلی

خوشبختانه تاکنون بخش قابل توجهی از سیاستها و برنامه‌های پیشنهادی جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌های پیش گفته جامه عمل پوشیده است. از نظر رهیافتهای سیاست خارجی خوشبختانه عصر جدیدی در روابط ایران با جهان عرب و بویژه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس آغاز شده است. مادر آغاز راه هستیم و برای تفاهم درازمدت می‌باید با حوصله قدم برداریم.

در زمینه همکاری‌های اقتصادی نیز در سالهای اخیر شاهد رشد قابل ملاحظه‌ای در میزان مبادله کالا و حجم تجارت با کشورهای عضو شورا بوده‌ایم. بر اساس آمار ارائه شده توسط مراجع رسمی سلطنت عمان، حجم بازرگانی میان دو کشور در مقایسه با اوایل دهه ۹۰ میلادی بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ درصد رشد داشته است. امضای موافقتنامه‌های بازرگانی و تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری با سلطنت عمان، بحرین و عربستان سعودی، امضای موافقتنامه کشتیرانی با بحرین، و موافقت ایران برای صدور آب به کویت از جمله دستاوردهای توسعه روابط در زمینه اقتصادی بوده است.

جمهوری اسلامی ایران در خصوص شورای همکاری خلیج فارس به عنوان یک اتحادیه اقتصادی منطقه‌ای نیز پیشنهاد «نهادینه کردن همکاری‌های اقتصادی با شورای همکاری» را مطرح نموده است. این ابتکار گامی در جهت توسعه اقتصادی و بازرگانی کشورهای منطقه است که تحکیم و تقویت ثبات و امنیت در کل منطقه را نیز در پی خواهد داشت. این همکاری‌ها می‌تواند در چارچوب «موافقتنامه جامع همکاری اقتصادی» شامل منطقه تجارت آزاد، تجارت کالا و خدمات، سرمایه‌گذاری مشترک، جهانگردی و سایر جلوه‌های تبادل اقتصادی به صورت ساختاری و نهادینه در آید.

### ج: جایگاه عمان در سیاست خارجی ایران

مطالعات باستانشناسی نشان می‌دهد که مردم ایران و عمان از

بندر ترانزیتی سلاله به عنوان یکی از یازده بندر بزرگ ترانزیتی جهان از يك طرف و عبور بزرگراه آسیایی از سرزمین جمهوری اسلامی ایران و موقعیت ایران در کریدور اقتصادی شمال-جنوب از طرف دیگر، سبب شده است که افقهای جدیدی در توسعه روابط و همکاری‌های دوجانبه و منطقه‌ای گشوده شود. پیوستن عمان به کریدور شمال-جنوب طلیعة عصر جدید همکاری است.

عامل پایدار دیگری که همواره بر روابط دو کشور تأثیرگذار بوده، عامل فرهنگی است. مراودتهای مردم ایران و عمان در طول تاریخ مشابهت‌های قابل توجهی در آداب و سنن آنان پدید آورده است. این امر در مناطق همجوار دو کشور بیشتر نمایان است.

افتخارپذیرش اسلام توسط مردم هر دو سرزمین سبب شده است تا پیوندهای فرهنگی آنان، هم صبغه‌ای الهی بیابد؛ و هم از عمق و استحکام بیشتری برخوردار گردد. مشابهت ارزشهای اعتقادی دو ملت به سهم خود، به عنصر بایداری تبدیل شده است که همواره بر کم و کیف روابط دو کشور تأثیر می‌گذارد. بخشی از اسناد قرن نوزدهم میلادی موجود در آرشیو وزارت امور خارجه ایران گویای همکاری‌های بسیار نزدیکی است که در راستای دفاع از کبان اسلامی در این منطقه، بین دو کشور صورت گرفته است.<sup>۱۳</sup>

عامل همسایگی همراه با اشتراکات فرهنگی دو ملت سبب شده است تا عامل پایدار و تأثیرگذار دیگری علی‌الخصوص در تاریخ معاصر روابط دو کشور پدیدار گردد. این عنصر که جنبهٔ روانشناختی دارد و روح و شاکلهٔ نگاه دو ملت به یکدیگر را تشکیل داده است همان «اعتماد متقابل» می‌باشد.

اعتماد دو کشور به یکدیگر تا به حال منشاء برکات بسیاری بوده و انشاءالله روشنی‌بخش افق آینده روابط خواهد بود. جانبازی فرزندان سلحشور ایران در مقابله با دشمنان تمامیت ارضی عمان در سه دههٔ قبل، از مصادیق بارز اعتماد متقابل بین دو کشور می‌باشد. بدیهی است که کارگزاران روابط خارجی دو کشور وظیفه سنگینی در حفظ این سرمایه معنوی و مشترک بر عهده دارند.

## ۲- نگاهی به پیشینهٔ روابط دو کشور

روابط ساکنان ایران و عمان امروزی به هزاران سال قبل بازمی‌گردد. یافته‌های باستانشناسی حاکی از روابط نزدیک آنان در قبل از اسلام بوده است. براساس اسناد تاریخی، روابط ایران و عمان در سال ۵۹۷ میلادی<sup>۱۵</sup> شکل سازمان یافته‌ای به خود گرفته و در طول تاریخ به تناسب شرایط و مقتضیات زمان و با توجه به نوع حکومتها، با فراز و نشیبهایی همراه بوده است.

روابط دو کشور در سال‌های پایانی سلسله قاجار و روی کار آمدن خاندان پهلوی به دلیل استراتژی انزواگرایی سیاست خارجی عمان در زمان سلطنت سلطان سعید بن تیمور بسیار محدود بود. با

دیرباز با یکدیگر ارتباط و تعامل داشته‌اند.<sup>۱۳</sup> نزدیکی جغرافیایی، عامل مهمی در تعاملات مستمر مردم دو سرزمین بوده است. در پرتو این تعامل و همزیستی طولانی، نوعی «دوستی تاریخی» شکل گرفته که تأثیر آن بر شاکله روابط دو ملت، حقیقتی انکارناپذیر است.

با توجه به آنچه گفته شد، برای ترسیم جایگاه عمان در سیاست خارجی ایران، بررسی سه موضوع ضروری است. ابتدا در مورد عوامل پایدار مؤثر بر روابط صحبت خواهیم کرد. سپس به پیشینهٔ روابط، و آنگاه به بررسی و ارزیابی وضعیت حال و آینده روابط می‌پردازم.

## ۱- عوامل پایدار مؤثر بر روابط دو کشور

در بررسی سیر تاریخ روابط به عواملی دست می‌یابیم که به صورت پایدار در روندهای روابط نقش آفرین بوده‌اند. مهمترین این عوامل سه عامل جغرافیایی، فرهنگی و روانشناختی می‌باشد.

در زمینه عامل جغرافیایی باید گفت که «همسایگی» یک عنصر جاودانه و عمیقاً مؤثر بر تعاملات بین ایران و عمان بوده است. تنگهٔ استراتژیک هرمز بیش از آن که جداکننده دو سرزمین باشد، عامل وصل و تقریب دو کشور بوده است. این تنگه در تأمین منافع مشترک دو کشور و همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ایران و عمان از نقش درجه اول برخوردار است.

به شهادت منابع باستانشناسی، این آبراه در مقاطع مختلف تاریخی برای تبادلات اقتصادی مورد استفاده اقوام گوناگون بوده است، لیکن در قرن بیستم به دلیل ارتباط روزافزون نقش منابع انرژی منطقه در حیات اقتصاد جهانی و همچنین اقتصاد ملی کشورهای منطقه، آبراه فوق از اهمیتی استراتژیک و نقشی بی‌بدیل برخوردار شده است. به همین دلیل و با توجه به قرار داشتن بیش از ۷۰٪ ذخایر و منابع انرژی فسیلی جهان در منطقهٔ خلیج فارس، تأمین امنیت خطوط کشتیرانی در تنگه هرمز، همواره یکی از دغدغه‌های اصلی دولت‌مردان ایران و عمان بوده و می‌باشد.

موقعیت جغرافیایی دو کشور در دو طرف آبراه بین‌المللی خلیج فارس از يك طرف بر وزن ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی دو کشور افزوده است و از طرف دیگر موجبات همکاری آنها را برای تأمین امنیت تنگه هرمز فراهم آورده است. بنابراین عنصر تغییرناپذیر جغرافیا و اهمیت همیشگی تنگه هرمز و الزام اصولی و بین‌المللی دو کشور در تأمین امنیت آن از مؤلفه‌های بایداری است که در تقویت و توسعه روابط ایران و عمان نقش دارد.

البته در دهه‌های آینده شاهد توسعه بیشتر روابط در پرتو عامل جغرافیا به دلیل جایگاه ژئواکونومیک دو کشور نیز خواهیم بود. قرار گرفتن سلطنت عمان در کنار اقیانوس هند و برخورداری از

(۱۳۶۰) از ایران فراخواند و به حمایت از عراق در جنگ تحمیلی علیه ایران تا زمان بازپس‌گیری خرمشهر ادامه داد. سپس با اعلام بیطرفی، موضع خود را تعدیل نمود.

نقش مؤثر عمان در تعدیل مواضع شورای همکاری خلیج فارس در خصوص جنگ تحمیلی در زمان ریاست دوره‌ای عمان بر اجلاس پنجم شورا در سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴) در مسقط سرآغاز دوران بازسازی روابط دو کشور به حساب می‌آید. در این اجلاس، لحن ملایم سلطان قابوس در نطق افتتاحیه و مفاد نسبتاً متعادل قطعنامه پایانی اجلاس مبنی بر درخواست همکاری از ایران و عراق برای پایان دادن به جنگ و همچنین ابراز تمایل شورا برای نزدیکی به جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت بود. از آن زمان، عمان با اتخاذ سیاست بیطرفی و در عین حال پیروی از سیاست پایان دادن به جنگ، زمینه را برای بازسازی روابط دوجانبه تسهیل نمود. پس از اجلاس فوق، جناب آقای بن علوی وزیر مسئول در امور خارجه عمان برای وزیر امور خارجه وقت جمهوری اسلامی ایران نامه‌ای ارسال کرد.

در ۲۵ فوریه ۱۹۸۶ (۱۳۶۵) طی سفر نماینده وزیر وقت امور خارجه ایران به مسقط، پیام جناب دکتر ولایتی در پاسخ به نامه سال قبل جناب بن علوی تقدیم ایشان گردید. روند بازسازی روابط، با سفر جناب بن علوی به تهران در آوریل ۱۹۸۷ (۱۳۶۶) و امضای اولین یادداشت تفاهم همکاری‌های سیاسی و اقتصادی، بازسازی روابط دو کشور به معنای واقعی کلمه جامه عمل پوشید. دیدار متقابل جناب دکتر ولایتی از مسقط نیز در اوت ۱۹۸۷ صورت گرفت.

با موافقت دو کشور برای ارتقاء سطح روابط سیاسی، مبادله سفیر و تشکیل کمیته مشترک سیاسی در همان سال، دوره تحکیم و توسعه روابط آغاز شد. سفیر جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۸۸ (۱۳۶۷) و سفیر سلطنت عمان در سال ۱۹۸۹ (۱۳۶۸) مشغول به کار شدند.

«کمیته مشترک سیاسی» به‌عنوان مهمترین ساز و کار فعال در عرصه روابط دوجانبه، وظیفه تنظیم خطوط کلی توسعه روابط در زمینه‌های مختلف و تبادل نظر در مورد آخرین تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی را بر عهده دارد. این کمیته اولین نشست نیمسالانه خود را در اوت ۱۹۸۹ (۱۳۶۸) در مسقط برگزار کرد. دوازدهمین اجلاس کمیته سیاسی در اکتبر ۲۰۰۳ (۱۳۸۲) در تهران و سیزدهمین اجلاس آن اخیراً (آوریل ۲۰۰۴) در مسقط برگزار گردید.

روابط دو کشور از زمان انتخاب جناب آقای خاتمی به‌عنوان رئیس‌جمهور ایران شاهد توسعه بیشتری بوده است. از آن زمان،

به سلطنت رسیدن سلطان قابوس، ایران سومین کشوری بود که بعد از انگلیس و آمریکا، حکومت ایشان را به رسمیت شناخت. از آنجا که یکی از اولویتهای عمده سیاست خارجی عمان به رهبری سلطان قابوس گشودن باب مراد و ارتباط با دیگر کشورهای بویژه کشورهای همسایه اعلام شده بود روابط دو کشور به سرعت برقرار گردید و هیأت مطبوعاتی ایران در ژانویه ۱۹۷۱ میلادی (۱۳۴۹) از عمان دیدار کرد.

برقراری روابط سیاسی بین دو کشور طی بیانیه‌ای رسمی در تاریخ ۲۶ اوت ۱۹۷۱ (۱۳۵۰) اعلام گردید و آقای بهمن زند به‌عنوان اولین سفیر دولت ایران در آوریل ۱۹۷۲ (۱۳۵۱) در مسقط مستقر شد. آقای اسماعیل خلیل الرصاصی ابتدا به سمت کاردار عمان در تهران منصوب و سپس در فوریه ۱۹۷۴ (۱۳۵۲) به مقام سفیری ارتقاء یافت.

منافع مشترک و اعتماد متقابل موجب گردید که همکاری‌های دو کشور در مدتی کوتاه به اوج خود برسد. علیرغم بی‌مهری برخی و سکوت برخی دیگر از کشورهای عربی، دولت عمان توانست با معاضدت دولت ایران، تهدید<sup>۱۶</sup> دشمنان تمامیت ارضی کشورش را ریشه کن نماید. این همکاری استراتژیکی در اواسط دهه ۱۹۷۰ میلادی عامل شتاب دهنده‌ای برای ایجاد روابطی مستحکمتر میان دو کشور گردید. همکاری‌های ایران و عمان برای تأمین امنیت تنگه هرمز نیز گسترش یافت و طی مدت زمانی کوتاه، تعداد قابل توجهی تفاهنامه و توافقنامه همکاری به امضاء رسید.

بدون تردید دیدار رهبران دو کشور در سالهای ۱۹۷۲ و ۱۹۷۸ میلادی در به‌ثمر نشستن روابط بسیار مؤثر بود؛ روابطی که ریشه در «حسن ظن تاریخی و متقابل» دو کشور داشت.

### ۳- ارزیابی وضع موجود و افق آینده روابط

روابط کنونی دو کشور از یک طرف تحت تأثیر عوامل پایدار سه‌گانه‌ای<sup>۱۷</sup> است که قبلاً به آن اشاره کردیم؛ و از طرف دیگر حاصل تعامل متغیرهای نسبتاً جدیدی است که از زمان پیروزی انقلاب اسلامی در ایران در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی رخ نموده است. منحنی روابط دو کشور در سه دهه اخیر نشاندهنده تغییرات قابل توجهی است که اجمالاً به برخی از آنها در سه زمینه سیاسی اقتصادی و فرهنگی اشاره می‌شود.

#### ۳/۱- روابط سیاسی

روابط سیاسی ایران و عمان از زمان تأسیس نظام جمهوری اسلامی در ایران تاکنون شاهد سه دوره ر کود اولیه، بازسازی و دوره تحکیم و توسعه بوده است. دوره ر کود روابط با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۹۷۹ میلادی آغاز شده و تا سال ۱۹۸۵ ادامه یافت. در این دوره دولت عمان سفیر خود را در سال ۱۹۸۱

وجود دارد. عضویت فعال عمان در کریدور حمل و نقل بین‌المللی شمال-جنوب و ترانزیت کالا به منطقه قفقاز و آسیای میانه، حضور شرکت‌های فنی و مهندسی ایران در اجرای پروژه‌های عمرانی در عمان، همکاری میان اتاق‌های بازرگانی دو کشور با توجه به نقش بخش خصوصی در افزایش مبادلات بازرگانی میان کشورها، قانونمند نمودن فرایندهای صادرات و واردات کالا میان دو کشور، برگزاری نمایشگاه‌های اختصاصی، برقراری خط پروازی مستقیم و خط کشتیرانی میان دو کشور و... از جمله راهکارهای پیشنهادی در این زمینه است.

### ۳/۳- روابط فرهنگی

اشتراکات فرهنگی دو ملت و بویژه مشابهت‌های فراوان فرهنگ فولکلوریک مناطق همجوار دو کشور، نشان‌دهنده این واقعیت است که جریان تبادل فرهنگی میان مردم ایران و عمان عمیق تاریخی دارد. علاوه بر آن، اعتقاد دو ملت به آئین آسمانی اسلام موجبات جاودانگی پیوندهای فرهنگی آنها را فراهم ساخته است.

غنا تاریخی روابط فرهنگی، توسعه آن را در عصر کنونی آسان نموده است. در سه دهه قبل شاهد جهش در گسترش این روابط هستیم. دستاورد عمده توسعه روابط دو جانبه در زمینه فرهنگی در دهه هفتاد میلادی موافقتنامه‌ای جامع در زمینه همکاری‌های فرهنگی، علمی و آموزشی بود که اعتبار آن تا اواسط دهه نود میلادی ادامه داشت.

لغو اعتبار موافقتنامه مزبور در سال ۱۹۹۴ (۱۳۷۲) اگر چه سرعت همکاری‌های فرهنگی دو کشور را کند نمود، لیکن متولیان ذریع دو کشور با رفت و آمدهای منظم و امضای چندین یادداشت تفاهم موجبات رونق همکاری‌های فرهنگی و آکادمیک فی‌مابین را فراهم آوردند. سفر جناب آقای میر سلیم وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی جمهوری اسلامی ایران به مسقط در سال ۱۹۹۵ (۱۳۷۴) به مسقط و سفر مرحوم والا حضرت فیصل بن علی وزیر وقت فرهنگ و میراث ملی سلطنت عمان به تهران در سال ۱۹۹۷ (۱۳۷۶) سر آغاز مرحله جدید توسعه روابط فرهنگی دو کشور محسوب می‌شود.

روابط علمی و دانشگاهی دو کشور با سفر وزیر آموزش عالی عمان به تهران در سال ۱۹۹۹ (۱۳۷۸) و سفر وزیر علوم، تحقیقات و فناوری ایران به مسقط در سال ۲۰۰۰ (۱۳۷۹) متحول شد. این تبادلات منجر به تأسیس «کمیته مشترک علمی» گردید که تا به حال دو نشست در مسقط و تهران برگزار نموده است. در پرتو فعالیت‌های این کمیته، هم‌اکنون چند دانشجوی عمانی در دانشگاه‌های ایران مشغول تحصیل هستند همچنین هیأت‌هایی از مسئولین، اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های دو کشور دیدارهای متقابل به عمل

چند کمیته فرعی تحت اشراف کمیته مشترک سیاسی تأسیس گردیده که هر کدام نشست‌هایی نیز برگزار کرده‌اند. کمیته فنی (امور مرزی)، کمیته دوستی نظامی، کمیته مشترک علمی و گروه دوستی پارلمانی از جمله این سازو کارهاست.

روابط سیاسی دو کشور در مجموع رضایتبخش ارزیابی می‌شود. با این حال، حدوث تحولات گسترده و عمیق در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاب می‌نماید که دو کشور بر حجم تعاملات، ریزنی‌ها و همکاری‌های سیاسی و بین‌المللی خود بیفزایند.

### ۲/۳- روابط اقتصادی

سنگ بنای تجدید روابط اقتصادی دو کشور و مبنای ساماندهی آن به شکل امروزی، در واقع یادداشت تفاهمی است که در ۲۶ ماه می ۱۹۸۷ میلادی (۱۳۶۶) میان وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران و وزارت خارجه سلطنت عمان به امضاء رسیده است. در این یادداشت تفاهم، همکاری‌های سیاسی، اقتصادی، نفتی، هواپیمایی، کشتیرانی و مخابراتی پیش‌بینی شده است.

بر همین اساس، کمیسیون مشترک اقتصادی دو کشور در دسامبر ۱۹۸۷ (آذر ۱۳۶۱) تأسیس شد. اولین اجلاس این کمیسیون در مارس ۱۹۸۹ (۱۳۶۷) در مسقط برگزار گردید و همین اجلاس آن نیز به زودی در مسقط برگزار خواهد شد. امضای موافقتنامه تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری متقابل در سال ۲۰۰۲ (۱۳۸۰) و امضای موافقتنامه بازرگانی دو کشور در سال ۲۰۰۳ (۱۳۸۱)، زمینه را برای توسعه پایدار روابط اقتصادی فراهم کرده است. موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و موافقتنامه همکاری‌های گمرکی دو کشور نیز مراحل نهایی خود را می‌گذرانند.

حجم مبادلات بازرگانی ایران و عمان در فاصله سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۲ به ۵/۵ برابر رسیده و از یکصد میلیون دلار به ۵۵۰ میلیون دلار افزایش یافته است. هم‌اکنون جمهوری اسلامی ایران دومین رتبه را پس از امارات عربی متحده در جذب صادرات مجدد عمان دارد. حجم مبادلات دو کشور در سال گذشته بالغ بر ۵۶۰ میلیون دلار بود که بیش از ۹۰٪ آن را صادرات عمان تشکیل داده است.

اگر چه رشد حجم تبادل بازرگانی میان دو کشور در مجموع، مثبت ارزیابی می‌شود، لیکن لازمه پایدار بودن آن، تنوع بخشیدن به زمینه‌های همکاری اقتصادی و ایجاد توازن منطقی در تبادلات تجاری است.

اعتقاد بر این است که این میزان تبادل، با ظرفیت‌ها و زمینه‌های موجود در دو کشور تناسب ندارد. در این راستا راهکارهای عملی قابل توجهی برای توسعه روابط اقتصادی و تضمین استمرار آن

وزارت خارجه این کشور در تاریخ ۱۳۸۳/۲/۳۰ انجام پذیرفت.

۲. آغاز مذاکرات دور توکیو (Tokyo Round) متعاقب شوک نفتی ۱۹۷۳

۳. مراجعه کنید به سایت [www-hrw.org/Campaigns/icc](http://www-hrw.org/Campaigns/icc)

4. Toward A Diplomacy for The 21 Century

5. Non - Proliferation Treaty = N.P.T

۶. قانون جدید سرمایه‌گذاری خارجی در ایران در سال ۱۳۸۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.

۷. «انجمن دوستی ایران و عرب» در چارچوب فعالیتهای مرکز پژوهشهای علمی و استراتژیک خاورمیانه در تهران تأسیس گردید و در مجلس افتتاحیه آن حدود پانصد نفر شامل برخی از سفرای کشورهای عربی شرکت کردند. این انجمن دارای کمیته‌های اقتصادی، فرهنگی، ارتباطات و علمی می‌باشد.

۸. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، مجموعه مقالات یازدهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس (به نقل از بولتن آمار سال ۱۹۹۸ اپک)، (تهران، ۱۳۷۹).

۹. رجوع شود به مقاله «جایگاه خلیج فارس در نظام جدید جهانی» نوشته دکتر اصغر جعفری ولدانی مندرج در مجموعه مقالات یازدهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

۱۰. برگرفته از اظهارات دکتر حسن روحانی دبیر شورای عالی امنیت ملی در یازدهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس (۱۳۷۹)

۱۱. برگرفته از کتاب «عوامل تأثیرگذار داخلی در خلیج فارس» تألیف محمد علی امامی، نشر دفتر مطالعات (۱۳۸۰)، به نقل از الاستراتیجیات الامنیة فی

منطقه الخلیج الفارسی نوشته محمد جاسم محمد، نشر دانشگاه بصره (۱۹۸۳)

۱۲. برگرفته از اظهارات دکتر حسن روحانی دبیر شورای عالی امنیت ملی در یازدهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس (۱۳۷۹)

۱۳. مراجعه کنید به مقاله «The Julanda of Oman» نوشته

J.C. Wilkinson و مقاله «The Archeology of Oman» نوشته Donald

S. Whitcomb مندرج در ژورنال مطالعات عمان، جلد اول، ۱۹۷۵، از

انتشارات وزارت وقت اطلاع‌رسانی و فرهنگ سلطنت عمان.

۱۴. پاسخ مثبت ایران به درخواست عمان و کمک برای ختم غائله و هابیت در سال ۱۸۷۰ میلادی.

۱۵. سال اجابت درخواست عمان و کمک ایران برای اخراج اشغالگران حبشی.

۱۶. غائله ظفار

۱۷. سال شرکت سلطان قابوس در جشنهای ۲۵۰۰ ساله ایران

۱۸. سال دیدار رسمی شاه ایران از عمان و بازدید از نیروهای ایرانی مستقر در ظفار

۱۹. سه عامل جغرافیایی، فرهنگی و روانشناختی

۲۰. لغو موافقتنامه مزبور بصورت یکطرفه توسط عمان و متعاقب اعتراض جمهوری اسلامی ایران به روابط عمان با رژیم صهیونیستی صورت گرفت.

همکاری‌های دو کشور در سایر زمینه‌های فرهنگی نیز رشد قابل توجهی داشته است. تأسیس کرسی فقه اباضی در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، عضویت مفتی اعظم عمان در شورای عالی مجمع تقریب مذاهب اسلامی و مشارکت فعال ایشان در نشستهای سالیانه این مجمع در تهران، شرکت در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم، همکاری‌های کتابخانه‌ای، ارتباطات رادیو-تلویزیونی و مطبوعاتی، برگزاری هفته فیلم و هفته فرهنگی، برگزاری دو مورد نمایشگاه تاریخ اسناد تاریخ روابط دو کشور، شرکت فعال در نمایشگاههای هنری بویژه هنرهای تجسمی، همکاری در ترمیم و حفظ میراث فرهنگی، شروع آموزش مقدماتی زبان فارسی در دانشگاه سلطان قابوس، همکاری در زمینه آموزش دیپلماتیک، توسعه تبادلات توریستی و تنوع بخشیدن به همکاری‌های ورزشی از جمله مصادیق توسعه روابط فرهنگی دو کشور در دهه اخیر بوده است.

آنچه نویدبخش تحکیم و توسعه پایدار روابط فرهنگی ایران و عمان می‌باشد، موافقتنامه جامعی است که برای نهادینه ساختن روابط فرهنگی، علمی، آموزشی، تحقیقاتی، هنری، رسانه‌ای، ورزشی و توریستی دو کشور تهیه شده است. خوشبختانه این موافقتنامه مراحل نهایی خود را می‌گذراند و در آینده نزدیک به امضاء خواهد رسید.

در يك نگاه فراگیر، مرور سیاستهای منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و مقایسه آن با سیاستهای منطقه‌ای سلطنت عمان نشان می‌دهد که نقاط اشتراك فراوانی بین آنها وجود دارد. مهمترین وجه اشتراك این سیاستها، صلح طلبانه بودن آنها است. رجاء واثق دارم که در پرتو اراده سیاسی رهبران عالی‌رتبه دو کشور، دستیابی به اهداف مشترك در تحکیم صلح و ثبات منطقه‌ای و توسعه روابط دوجانبه بیش از پیش میسر خواهد شد.

انتظار می‌رود با انجام سفر جناب آقای دکتر عارف معاون اول رئیس‌جمهور ایران در پاسخ به سفر والا حضرت سیدفهدبن محمود معاون نخست وزیر عمان و همچنین با انجام دیدارهای متقابل رئیس‌جمهور خاتمی و اعلیحضرت سلطان قابوس از دو کشور، روابط سیاسی ایران و عمان به سطح «کامل‌رضایتبخش» ارتقاء یابد. در پایان، توفیق دستگاههای دیپلماسی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و سلطنت عمان را در اجرای کامل منویات رهبران دو کشور از حضرت احدیت خواستارم.

## منابع:

1. Iran's Foreign Policy, Principles and Objectives, Mohammad Javad Larjani, The Iranian Journal of International

## پادداشته‌ها

۱. این سخنرانی به دعوت وزارت خارجه عمان و در محل مؤسسه دیپلماتیک

- آغاز هزاره جدید»، دکتر اصغر جعفری ولدانی، مجموعه مقالات یازدهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس، دی ماه ۱۳۷۹
12. The Islamic Republic of Iran's Foreign Policy: The View from Iran, Abbas Maleki, www. Salamiran.org.
۱۳. مقاله «جهانی شدن و سیاست خارجی، با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران»، دکتر مهدی فاخری، فصلنامه سیاست خارجی، سال چهاردهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۹
۱۴. استراتژی جمهوری اسلامی ایران در قبال فرسایش حاکمیت دولتها، سخنرانی دکتر حسن روحانی، فصلنامه راهبرد، شماره ۲۹، پاییز ۱۳۸۲
۱۵. مقاله «مفهوم حاکمیت ملی قبل و بعد از ۱۱ سپتامبر: پیامدهای حقوقی و سیاسی»، دکتر حسن روحانی، فصلنامه سیاست خارجی، سال هفدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۲
۱۶. متن سخنرانی آقای مجید علوی کیا (رئیس مرکز مطالعات آسیا و اقیانوسیه دفتر مطالعات) در گردهمایی آکادمیک کشورهای عضو CICA (کنفرانس تعامل و اقدامات اعتمادسازی در آسیا)، قزاقستان، ۱۳۷۹
۱۷. مقاله «چالشهای سیاست خارجی ایران بعد از ۱۱ سپتامبر، مسائل کهن و قالبهای نو»، دکتر سید محمد کاظم سجادیور (مدیر کل دفتر مطالعات)، نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱
18. The Opportunities and Challenges Ahead of the Third Decade of the Islamic Revolution, www. irib.ir., February 2004
19. "The Julanda of Oman", J.C. Wilkinson, The Journal of Oman Studies, Volume 1, 1975, pp. 97-107
20. "The Archeology of Oman", Donald S. Whitcomb, The Journal of Oman Studies, Volumel, 1975. pp. 123-157

Affairs, Winter 1996

2. Iranian Foreign Policy After September 11, Mahmood Sar-iolghalam, USPID, Proceedings of the IX Castiglioncello Conference, Italy, Sept. 200

۳. گفتگویی با دکتر کمال خرازی در مورد سیاست خارجی ایران، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، بهار ۱۳۸۱

۴. مقاله «اهمیت ژئواستراتژیک و سیاستهای منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، متن سخنرانی آقای مجید علوی کیا رئیس مرکز مطالعات آسیا و اقیانوسیه دفتر مطالعات در اولین میزگرد مطالعاتی ایران و استرالیا در دانشگاه ملی استرالیا

۵. کتاب «عوامل تأثیرگذار داخلی در خلیج فارس»، آقای محمد علی امامی، نشر دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

۶. مقاله «تأثیر گفتگوی تمدنها بر سیاست خارجی ج.ا.ایران»، آقای شهریار دبیرزاده، فصلنامه سیاست خارجی، بهار ۱۳۸۲

۷. «خاورمیانه جدید و استراتژی جمهوری اسلامی ایران»، گفتگو با دکتر مهر داد حاجی میرعرب، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱

8. Recent Developments in Iran, Jerry Green, International Policy at Rand, www. rand.org.

۹. «تهدیدها و فرصتهای محیط خارجی جمهوری اسلامی ایران»، گزارش تحقیقاتی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱

10. Confidence - Building Measures in the Persian Gulf., Jalil Roshandel, The Iranian Journal of International Relations, Fall 1996, Vol. VIII, No. 3

۱۱. مقاله «جایگاه خلیج فارس در نظام جدید جهانی، ژئوپلیتیک خلیج فارس در

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی